

خاتمه ۳:

توجه شود که احتیاط (چه واجب و چه مستحب)، یک حکم شرعی نیست و لذا چنین نیست که در متعلق آن، مصلحت موجود باشد. بلکه احتیاط، حکم عقل است و در هر حال اگر هم مصلحتی به دست می‌آید، مصلحت عمل به احتیاط نیست بلکه مصلحت کسب واقع است.

و این هم در احتیاط واجب و هم در فتوای به احتیاط و هم در احتیاط مستحب جاری است.

اللهم الا ان يقال: به سبب روایت «اخوک دینک فاحطت لدینک»، نفس احتیاط کردن مستحب نفسی است.

پس: اگر مجتهد می‌گوید «اقامه را اتیان کند احتیاطاً»، (چه این احتیاط مستحب باشد و چه احتیاط واجب و چه فتوای به احتیاط):

اگر گفتیم امر به احتیاط حکم شرعی نفسی است، آنچه واجب و یا مستحب شرعی است احتیاط کردن است و نه اقامه گفتن.

و اگر گفتیم امر به احتیاط، حکم عقلی است، نه احتیاط و نه اقامه گفتن مستحب و یا واجب شرعی نیست، بلکه اگر احتیاط انجام شد و مطابق واقع بود، مصلحت واقع تحصیل می‌شود.

خاتمه ۴:

مرحوم سید در مورد صورتی که اعلم دارای فتوی نیست [یعنی صورت پنجم] و یا مکلف از آن مطلع نیست، می‌نویسد: «(مسألة ۶۰): إذا عرضت مسألة لا يعلم حکمها، و لم یکن الأعلم حاضراً، فإن أمکن تأخیر الواقعة إلى السؤال یجب ذلک و إلا فإن أمکن الاحتیاط تعین و إن لم یمكن يجوز الرجوع إلى مجتهد آخر الأعلم فالأعلم، و إن لم یکن هناك مجتهد آخر و لا رسالته يجوز العمل بقول المشهور بین العلماء إذا كان هناك من یقدر علی تعیین قول المشهور، و إذا عمل بقول المشهور ثم تبین له بعد ذلک مخالفته لفتوی مجتده فعلیه الإعادة أو القضاء و إذا لم یقدر علی تعیین قول المشهور يرجع إلى أوثق الأموات و إن لم یمكن ذلک أيضاً یعمل بظنه، و إن لم یکن له ظن بأحد الطرفين یبني علی أحدهما، و علی التقادیر بعد الإطلاع علی فتوی المجتهد إن كان عمله مخالفاً لفتواه فعلیه الإعادة أو القضاء.»^۱

توضیح:

۱. اگر در مسئله‌ای اعلم فتوی ندارد و یا مکلف از آن اطلاع ندارد:
۲. اگر مکلف می‌تواند عمل را تأخیر بیاندازد تا از اعلم سؤال کند باید چنین کند.
۳. ولی اگر نمی‌تواند تأخیر بیاندازد:

۱. العروة الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۴۹

۴. اگر امکان احتیاط فراهم است، باید احتیاط کند.

۵. ولی اگر امکان احتیاط فراهم نیست، باید سراغ غیر اعلم برود. (و البته اعلم فالاعلم را رعایت کند)

۶. و اگر مجتهد دیگری هم نیست (و رساله‌ای هم در دست نیست)، مکلف می‌تواند به نظر مشهور عمل کند (اگر می‌تواند قول مشهور را دریابد)

۷. و اگر بعد از عمل به قول مشهور، معلوم شد که عمل او مخالف با فتوای مرجع بوده است باید آن را قضا و اعاده کند.

۸. ولی اگر توان تشخیص قول مشهور را ندارد، به سراغ مجتهد مرده‌ای برود که مورد اطمینان بیشتری است.

۹. و اگر این هم فراهم نیست، به ظن خود عمل کند.

۱۰. و اگر ظن هم ندارد، بنا بگذارد که یکی از فعل یا ترک را انجام دهد (یعنی تخییر بدوی است و نمی تواند هر وقت هر کدام را خواست انجام دهد).

۱۱. و در همه حالات اخیر اگر بعدها معلوم شد، عمل او مخالف نظر مرجع بوده است، اعاده و یا قضا کند.

ما می گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش ایشان چنین است:



